

ردنظروهايت از سوي اهل سنت در حرمت زيارت قبور

* حبيب عباسی

◆ چکیده

زیارت قبر رسول گرامی اسلام ﷺ و قبور اولیای الهی در بقیع یکی از اعمال مورد اهتمام مسلمانان بوده است و مسلمانی یافت نمی‌شود که به حج بیت الله الحرام برود و از زیارت قبر آنان غافل بماند و در این موضوع تفاوتی میان شیعه و اهل سنت وجود ندارد و این در حالی است که وهابیان این مسئله را شرک می‌دانند و به شدت با آن مقابله می‌کنند. فرقه وهابیت در حالی با پرچم دفاع از توحید و به کارگیری سنت رسول خدا ﷺ به مقابله با زیارت قبور و مخالفت با سفر به قصد زیارت قبر رسول گرامی اسلام ﷺ پرداخت که سنت رسول گرامی اسلام ﷺ و عمل صحابه و سیره مسلمانان و فتاوی علمای مذاهب اربعه اهل سنت در طول قرون متمادی شاهد خوبی بر حقانیت این اعتقادات است.

این مقاله بر آن است تا با استفاده از روایات نبوی و مستندات تاریخی از منابع اهل سنت و نظر علمای اهل سنت، ریشه‌های عمیق این اعتقاد را نشان دهد و وهن و سستی اعتقاد وهابیت را به اثبات رساند.

کلیدواژگان: زیارت قبور، قبر پیامبر، شد رحال، توسل به قبور

◆ مقدمه

حدود دویست سال پیش با تأسیس فرقه وهابیت به دست محمد بن عبدالوهاب در عربستان که با حمایت بی دریغ پیر استعمار، دولت انگلستان منجر به احیای اندیشه های افراطی و غلط ابن تیمیه گردید، برخی از عقاید و آداب مهم مسلمانان مورد انکار این فرقه قرار گرفت و وهابیت به بهانه مقابله با شرک و احیای کلمه توحید، به مقابله و مبارزه با این بخش از اعتقادات مسلمانان پرداخت؛ اعتقاداتی نظیر احترام و توسل به اولیای الهی، درخواست شفاعت از اولیای الهی و زیارت قبور رسول گرامی اسلام و ائمه علیهم السلام و اولیای الهی.

اندیشمندان شیعه و سنی کتب زیادی در رد نظر وهابیت نگاشته اند که آثاری چون کشف الارتیاب اثر علامه سید محسن امین، *الزیارة والتوسل* اثر صائب عبدالحمید و *الزیارة فی الكتاب و السنة* تألیف آیت الله سبحانی از علمای شیعه و کتاب هایی چون *شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام* تألیف سبکی شافعی، *دفع الشبه عن الرسول* نوشته حصنی دمشقی و *رفع المنارة فی تخریج احادیث التوسل و الزیارة* اثر محمود سعید ممدوح از علمای اهل سنت از این جمله است.

در این مقاله بر آنیم تا در ابتدا با بررسی سنت نبوی و سپس عمل صحابه و سیره علمای مسلمان و عموم مسلمانان به بیراهه رفتن وهابیت و عدم پای بندی ایشان به سنت نبوی را بر همگان آشکار سازیم. وجه تمایز این مقاله از آثار دیگر در این موضوع، بیان اختلافات عمیق دیدگاه وهابیت با دیدگاه علمای بزرگ اهل سنت از مذاهب گوناگون می باشد.

♦ مفهوم زیارت

«زیارت» در لغت دیدار کردن با قصد را گویند و در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است. گویی زائر از دیگران روی گردانیده و زیارت‌شونده را قصد کرده است.^۱

♦ زیارت قبور از نظر ابن تیمیه و وهابیت

ابن تیمیه به عنوان نظریه‌پرداز وهابیت که قرن‌ها قبل از محمد بن عبدالوهاب اصول اعتقادی غلط وهابیت را پایه‌ریزی کرد، از اولین کسانی است که بحث حرمت سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ و دعا کردن و درخواست حاجت در کنار قبر آن حضرت را مطرح کرد. وی می‌نویسد:

هر کس سفرش را به قصد زیارت قبر رسول اکرم ﷺ انجام دهد، مثل کسانی که به قصد زیارت قبور پیشوایانشان در مدینه و مساجدی که اطراف آن است سفر می‌کنند، با اجماع مسلمانان مخالفت کرده و از شریعت پیامبر اکرم ﷺ خارج شده است.^۲

و نیز می‌نویسد: زیارت قبر پیامبر یا غیر او، غیر خدا را خواندن، و شریک کردن غیر خدا در کارهای خدایی، حرام و شرک است.^۳

و نیز می‌گوید:

و اما مسح کردن قبر و بوسیدن آن، هر قبری که باشد، و گذاشتن صورت بر قبر، اگرچه از قبور انبیا باشد، به اتفاق همه

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶.

۲. «فمن جعل سفره إلى مسجد الرسول (صلى الله عليه وسلم) وقبره كالسفر إلى قبور هؤلاء والمساجد التي عندهم فقد خالف إجماع المسلمين وخرج عن شريعة سيد المرسلين» (الرد على الأحنائي، ص ۱۸).

۳. همان، ص ۵۲.

مسلمانان نهی شده است و این کار را احدی از سلف و بزرگان آن انجام نداده‌اند، بلکه این کار شرک است.^۱

وی کار را به جایی رسانده است که مسافرت به قصد زیارت قبر پیامبر را سفر معصیت دانسته که نماز در چنین سفری شکسته نمی‌شود.^۲

همچنین هیئت عالی افتای سعودی؛ بالاترین مقام دینی وهابیت در عصر حاضر، با تأسی به ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب در فتوایی که به امضای اعضای این لجنه و بن باز مفتی اعظم سابق عربستان رسیده است، درباره زیارت قبور اعلام می‌کند:

اما سفر به مدینه برای زیارت قبر پیامبر جایز نیست، به دلیل نهی کردن پیامبر از آن که فرمود: جز به قصد سه مسجد زاد و توشه برندارید: مسجد من و مسجد الحرام و مسجد الاقصی. پس باید برای کاری مثل تجارت یا طلب علم و امثال آن مسافرت کند به مدینه، یا به قصد نماز خواندن در مسجد نبوی به قصد ثواب بیشتر سفر کند و اول نماز بخواند و سپس پیامبر را به نحو زیارت شرعی زیارت کند، آن گاه درود بفرستد و بر پیامبر سلام کند و نیز بر ابوبکر و عمر سلام کند و برای این دو طلب مغفرت و دعا کند، بدون آنکه بر قبر یا اطراف آن دست بکشد و آن را ببوسد و بدون آنکه دعا کند و به او استغاثه جوید؛ زیرا دعا و استغاثه به پیامبر بعد از وفات مثل دعا و استغاثه به سایر مردگان است و شرک اکبر است.^۳

چنان که مشاهده می‌شود، ابتدا اجازه مسافرت به قصد زیارت هم داده نمی‌شود و زیارت قبر پیامبر حتی از تجارت و کسب علم نیز کم‌ارزش تر جلوه داده می‌شود و بعد

۱. زیارت قبور، ص ۵۴.

۲. رفع المنارة في تخريج أحاديث الزيارة، ص ۷۴.

۳. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

که اجازه به زیارت داده می‌شود، چندین شرط برای آن گذاشته می‌شود که به خوبی مشهود است آنها کراهت دارند مؤمنان قبر پیامبر را زیارت کنند.

♦ موضع علمای اهل سنت در مقابل فتوای ابن تیمیه

از آنجا که مسئله زیارت قبر رسول گرامی اسلام بر اساس آیات و روایات و سیره صحابه امری عبادی و موجب حفظ حرمت آن حضرت بوده است، علمای مذاهب اسلامی به شدت با نظر ابن تیمیه درباره زیارت و سفر برای زیارت آن حضرت مخالفت کرده و به مقابله با وی پرداخته‌اند که در ذیل گوشه‌ای از آرای علمای اهل سنت را درباره ابن تیمیه نقل می‌کنیم:

۱. دیدگاه علمای مذاهب اربعه

بنا بر نقل حصنی دمشقی علمای مذاهب اربعه اهل سنت در مقابل این فتوای ناصواب ابن تیمیه موضع‌گیری کرده‌اند. دست‌خط آنان در پشت فتوای ابن تیمیه موجود است که در قاهره نگهداری می‌شود و متن فتوا را از این دست‌خط نقل می‌کنیم:

سپاس مخصوص خداست. این مطالبی که پشت این فتوا نوشته شده، در پاسخ به سؤالی درباره فتوای ابن تیمیه درباره بدعت شمردن زیارت انبیا و انسان‌های صالح و جایز نبودن سفر برای زیارت انبیا و از این قبیل دیدگاه‌هاست.

این نظریات او باطل و مردود است. بسیاری از علما نقل کرده‌اند که زیارت پیامبر ﷺ عملی نیکو و مستحب است که علما بر آن اجماع دارند. شایسته است ابن تیمیه را از دادن این فتواهایی که نزد علما باطل است، بر حذر داشت و او را از فتاوای عجیب و غریب منع کرد و اگر از این عملش امتناع نکرد، باید زندانی شود و انحرافات او را برای مردم آشکار کرد تا مردم مواظب باشند از او تبعیت نکنند.

این فتوای محمد بن ابراهیم بن سعد الله بن جماعه شافعی است. محمد بن جریری انصاری حنفی نیز در ردّ ابن تیمیه، همین فتوا را داده است، اما نگفته است در صورت امتناع نکردن ابن تیمیه، باید او را زندانی کرد، بلکه گفته است: به طور یقین در همین زمان باید فوراً زندانی شود. محمد بن ابی بکر مالکی نیز همین فتوا را داده و علاوه بر این گفته که باید با او به شدت برخورد کرد تا به این طریق این مفسده و مفاسد دیگر از بین برود. احمد بن عمر مقدسی حنبلی نیز همین گونه فتوا داده است.^۱

۲. دیدگاه ابن حجر عسقلانی

وی که از علمای طراز اول اهل سنت و مؤلف مهم ترین شرح صحیح بخاری است، در کتاب خود در شرح صحیح بخاری به نام فتح الباری فی شرح الصحیح البخاری می نویسد:

حاصل این که علما حکم تحریم بار سفر بستن به جهت زیارت قبر سید ما رسول خدا را به ابن تیمیه نسبت داده اند و گفته اند او این عمل را انکار کرده است. در شرح این مطلب از هر دو طرف طول و تفصیل وجود دارد و این از بدترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده است. یکی از ادله برای دفع مدعای دیگران که همان اجماع بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر است، آن است که نقل شده مالک کراحت داشته بگوید من به زیارت قبر پیامبر رفتم، ولی محققان از اصحاب مالک به این مطلب جواب داده و گفته اند که او برای رعایت ادب از تلفظ این کلمه کراحت داشته، نه آنکه از اصل زیارت کراحت داشته باشد؛ زیرا زیارت قبر پیامبر از برترین اعمال و بهترین وسیله تقرب است که ما را به ذی الجلال رهنمون می سازد

۱. دفع الشبه عن الرسول، ص ۹۶.

و مشروعیت آن بدون نزاع، محل اجماع است و خداوند هدایت‌کننده به صواب می‌باشد.^۱

۳. نظر حافظ ذهبی

شمس‌الدین ذهبی که از علمای طراز اول اهل سنت و از بزرگان حدیث و رجال می‌باشد، در رد ابن تیمیه در زیارت قبور می‌نویسد:

پس هر کس در کنار حجره مقدس پیامبر با حالت خواری و تسلیم و در حال درود فرستادن بر پیامبر ﷺ بایستد، خوشا به حال او. او بهترین زیارت را انجام داده و زیباترین اظهار محبت را داشته است و او به‌طور حتم عبادتی زاید بر کسی که در سرزمینش یا نمازش بر او درود فرستاده، انجام داده است؛ زیرا زائر هم اجر زیارت و هم اجر درود فرستادن بر او را دارد و هر کس که بر او یک درود فرستد، خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد، ولی هر کس که او را زیارت کند و ادب زیارت را به‌جای نیاورد یا بر روی قبر سجده کند یا کاری انجام دهد که مشروع نیست، چنین شخصی کار خوبی را همراه کار بد انجام داده است که باید او را با مدارا و مهربانی تعلیم داد. به‌خدا سوگند! فریاد زدن و شیون کردن مسلمان و نیز بوسیدن دیوارها و گریه بسیار، جز از باب اینکه او محب خدا و رسول است، نیست. پس محبت او معیار و فارق بین اهل بهشت و جهنم است. لذا زیارت قبر پیامبر از بهترین اعمال برای قرب به خداست و بر فرض که استدلال به عموم حدیث «لاتشددوا الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد» را قبول کنیم و با این استدلال، به عدم اذن بستن اثاثیه برای سفر به منظور زیارت قبور انبیا و اولیا حکم کنیم، با این حال می‌گوییم بار سفر بستن برای زیارت قبر پیامبر، همانند

بار سفر بستن برای زیارت مسجد پیامبر است. لذا ابتدا زائر شروع به تحیت مسجد پیامبر می‌کند و سپس تحیت صاحب مسجد را به جای می‌آورد. خداوند این زیارت را روزی ما و شما کند! آمین.^۱

۴. دیدگاه کمال‌الدین حنفی

کمال‌الدین حنفی در شرح فتح‌القدیر در مقابله با دیدگاه ابن تیمیه، رفتن به مدینه را فقط به قصد زیارت قبر رسول گرامی اسلام اولی دانسته و نوشته است:

برای بنده ضعیف بهتر است که نیت خود را برای زیارت قبر پیامبر خالص گرداند، سپس زمانی که توفیق زیارت برای او حاصل شد، مسجد را نیز زیارت کند یا اگر فضل خدا بر او گشوده شد که مرتبه دیگری به زیارت آید، هر دو (زیارت قبر پیامبر و زیارت مسجد پیامبر) را نیت کند؛ به دلیل آنکه در این امر (خالص کردن نیت زیارت قبر پیامبر)، مقام پیامبر بیشتر تعظیم می‌شود.^۲

۵. نظر حنفی دمشقی

وی در کتاب دفع‌الشبهه عن الرسول با تقبیح فتوای ابن تیمیه، کار وی را جفا در حق رسول خدا ﷺ می‌نویسد:

به این عبارت بنگر که چقدر در آن به پیامبر ﷺ و انبیای الهی ظلم شده است؛ به دلیل آنکه زیارت آنان را گناه شمرده و بر گناه بودن آن نیز ادعای اجماع کرده است. این فرد شکاک می‌خواهد ادعا کند اصحاب پیامبر و تابعین و همچنین علمای امت اسلامی تا زمان وی، بر معصیت بودن زیارت انبیا اجماع دارند. معتقدم هیچ‌کسی مانند او به پیامبر و انبیای الهی جسارت نکرده

۱. سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۴.

۲. شرح فتح‌القدیر، ج ۳، ص ۱۸۰.

است، با اینکه کتاب‌های مشهور و غیر مشهور، مردم را در تمامی زمان‌ها و در همه جای عالم، به زیارت پیامبر ﷺ تشویق کرده‌اند. بنابراین زیارت حضرت رسول ﷺ از بهترین تلاش‌ها در راه خدا و آسان‌ترین راه‌های نزدیکی به خدا و از جمله سنت‌های انبیا و مورد اجماع انسان‌های یکتاپرست است و هیچ فردی چنین جسارتی نمی‌کند، مگر اینکه در قلب او بیماری نفاق است و از جوجه‌های یهود (دست‌نشانده‌های یهود) و در شمار دشمنان دین و مشرکینی است که در مذمت آقای امت‌های پیشین و امت اسلام، پافشاری کرد.^۱

۶. دیدگاه صالحی شامی

صالحی شامی از علمای برجسته مذهب شافعی و مؤلف کتاب *سبل الهدی و الرشاد* درباره فتوای ابن تیمیّه و نظر علما درباره این فتوا می‌نویسد:

شیخ تقی‌الدین سبکی شیخ جمال‌الدین بن‌زملکانی، شیخ داود ابوسلیمان مالکی، ابن‌جمله و علمای دیگر، درباره شرعی بودن سفر به قصد زیارت پیامبر، کتاب‌هایی در ردّ ابن تیمیّه که معاصر آنها بوده، نگاشته‌اند؛ زیرا ابن تیمیّه در این مورد نظر زشتی داده است که آب دریاها آن را پاک نمی‌کند.^۲

۱۰۶

♦ بررسی حدیث «لا تشدّوا الرحال»

مهم‌ترین دلیل علمای وهابیت در جایز نبودن سفر به قصد زیارت قبور، روایت صحیح مسلم نیشابوری به نقل از رسول گرامی اسلام است که آن حضرت می‌فرمایند:

سُبْحَانَكَ يَا مُحَمَّدُ

۱. دفع الشبه عن الرسول، ص ۱۶۸.

۲. سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۸۴.

لَا تَشْدُوا الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِي هَذَا وَالْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...^۱

جز برای سه مسجد بار سفر بسته نمی‌شود: این مسجد من و
مسجد الحرام و مسجد الاقصی... .

البته این روایت در برخی دیگر از منابع حدیثی اهل سنت آمده است.
برداشت ابن تیمیه از این روایت این است که مستثنی منه، قبور را هم در بر
می‌گیرد؛ یعنی پیامبر که فرموده است بار سفر نبندید جز برای این سه مکان، یعنی
برای زیارت قبور و در رأس آنها برای زیارت قبر رسول گرامی اسلام نیز نباید بار سفر
بسته شود؛ چنان که در *الرد علی الاخوانی* پس از نقل این روایت می‌نویسد:

از صحابه و تابعین ایشان مطلبی مبنی بر اختلاف در اینکه این
روایت دالّ بر نهی است، نرسیده است. پس کلام رسول خدا صریح
در نهی است و همچنین اختلافی نیست که نهی از سفر به قصد
بقاع مورد احترام را که مسجد نیستند نیز شامل می‌شود.^۲

اشتباه ابن تیمیه و دیگر وهابیون در تفسیر این حدیث، فهم غیردقیق معنای حدیث
است؛ زیرا بعد از «إِلَّا» نام سه مسجد آمده است و نمی‌توان مستثنی منه را جز مسجد
در نظر گرفت. در واقع روایت ربطی به زیارت قبور ندارد و هرگز در مقام بیان منع
سفر برای زیارت قبور نیست. بسیاری از علمای اهل سنت همین خطای وهابیون را
بیان کرده‌اند؛ چنان که ابن حجر عسقلانی از علمای بنام اهل سنت در رجال و حدیث و
مهم‌ترین شارح صحیح بخاری در این باره می‌نویسد:

برخی از محققین گفته‌اند در کلام رسول خدا که فرموده: «بار
سفر بسته نمی‌شود، جز به سه مسجد»، مستثنی منه محذوف است
و ما مستثنی منه را یا عام در نظر می‌گیریم که معنای حدیث این

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵.

۲. *الرد علی الاخوانی*، ص ۱۴.

می‌شود که به هیچ مکانی و برای هیچ کاری جز برای این سه مسجد بار سفر نباید بست، و یا اینکه مستثنی‌منه اخص از این است؛ راهی برای انتخاب مورد اول نیست؛ زیرا منجر به بسته شدن باب سفر برای تجارت و صلّه رحم و طلب علم و غیر آن می‌گردد. پس مورد دوم (معنای اخص) متعین است و اولی این است که ما چیزی را در تقدیر بگیریم که بیشترین مناسبت را داشته باشد و آن این است که بار سفر به هیچ مسجدی جز این سه مسجد برای نماز خواندن در آن بسته نمی‌شود. بنابراین نظر کسی که بار سفر بستن برای زیارت قبر پیامبر و دیگر صالحین را منع می‌کند، درست نیست.

و سُبکی می‌گوید: مقصود این است که در زمین بقعه‌ای غیر از این سه منطقه نیست که فضیلت ذاتی داشته باشد تا بار سفر به قصد آن انجام شود، بلکه سفر به قصد زیارت و یا جهاد و امثال آن باید از امور پسندیده و مباح باشد. این مسئله برای برخی مشتبّه شده است و گمان کرده‌اند که بار سفر بستن برای زیارت در غیر این سه مورد از موارد ممنوع است و این اشتباه است؛ زیرا استثنا باید از جنس مستثنی‌منه باشد. پس معنای حدیث این است که بار سفر به مسجدی از مساجد و مکانی از مکان‌ها برای خود آن مکان بسته نمی‌شود، جز در سه موردی که ذکر شد و بار سفر بستن برای زیارت یا طلب علم به جهت آن مکان نیست، بلکه به جهت شخصی است که در آن مکان هست و خدا دانای آن است.^۱

بنابراین به نظر می‌رسد این برداشت ابن تیمیه از روایت «لاتشدوا الرحال» برداشتی ناصحیح است؛ زیرا مطلبی مانند زیارت قبور را که در مستثنی‌منه نیامده است، بدون هیچ دلیلی وارد در مستثنی‌منه کرده است.

۱. فتح الباری، ج ۳، ص ۵۳.

نکته آخر در این باره اینکه چرا قبل از ابن تیمیه کسی این برداشت را از این روایت نداشت است و چرا صحابه و علمای طراز اول در قرون اولیه این را نفهمیده‌اند؟

♦ دلایل مشروعیت زیارت قبور و سفر به قصد آن

برای اثبات این موضوع چهار دلیل اقامه شده است:

۱. قرآن

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۱

هر گاه آنان زمانی بر خویش ستم کرده‌اند، [ای رسول خدا] نزد تو بیایند و استغفار کنند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند. خداوند را توبه‌پذیر و رحیم خواهند یافت.

آیه کریمه فوق به صراحت بیان می‌کند هر زمان که مؤمنین مرتکب گناهی شدند، باید نزد رسول گرامی اسلام بروند تا او برای آنها طلب آمرزش کند. بسیاری از علمای اهل سنت که پیرامون زیارت قبور و در ردّ نظر ابن تیمیه دست به قلم شده‌اند، به این آیه استناد کرده‌اند که استناد برخی از علما را ذکر می‌کنیم:

الف) استدلال سبکی شافعی

وی بعد از نقل این آیه در ضمن ادله زیارت قبور می‌نویسد:

آیه دلالت بر تشویق افراد برای آمدن نزد رسول گرامی اسلام ﷺ و استغفار کردن نزد ایشان و استغفار ایشان برای افراد دارد و اگرچه این آیه در زمان حیات وی وارد شده است، اما بیانگر مرتبتی است که به منظور بزرگداشت پیامبر ﷺ چنان جایگاهی

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

با وفات وی قطع نمی‌شود. پس اگر گفته شود آمدن نزد پیامبر برای زمان حیات است تا برای آنها استغفار کند و بعد از مرگ این‌گونه نیست، در پاسخ می‌گوییم: آیه دلالت بر مشروط بودن ثواب و رحیم بودن خدا بر سه مسئله دارد: یکی آمدن آنها نزد پیامبر، دیگری استغفار آنها، و استغفار پیامبر.

پس استغفار پیامبر برای همه مؤمنین حاصل است؛ زیرا رسول خدا ﷺ برای مردان و زنان مؤمن طلب مغفرت می‌کند، به دلیل کلام خدای متعال که فرموده: ﴿وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيَاكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾^۱.

بنابراین یکی از این سه مسئله ثابت شد و آن استغفار پیامبر ﷺ برای هر زن و مرد مؤمن است. پس زمانی که نزد او بیایند و استغفار کنند، سه مسئله که موجب توبه خدا و رحمت او است، کامل می‌شود. همه اینها زمانی است که بپذیریم پیامبر ﷺ بعد از مرگ استغفار نمی‌کند، ولی ما این نظر را قبول نداریم، براساس آن ادله‌ای که برای حیات ایشان و استغفار ایشان برای امت بعد از وفات ذکر کردیم.^۲

حال که استغفار کردن پیامبر بعد از وفات او نیز امکان‌پذیر است و از سویی، نهایت رحمت و مهربانی آن حضرت را به امتش می‌دانیم و درمی‌یابیم که رسول رحمت، مهر و محبت خود را از کسی که برای طلب بخشش از پروردگار نزد او بیاید، دریغ نمی‌کند. بنابراین با هر فرضی سه مسئله یاد شده در آیه برای هر کس که در زمان حیات و وفات پیامبر با استغفار نزد او بیاید، ثابت شد و

۱. سوره محمد، آیه ۱۹.

۲. این ادله را در «الباب التاسع فی حیاة الانبیاء» ذکر کرده است. (ر.ک: شفاء السقام، ص ۳۲۱ به بعد).

آیه اگرچه در حق افراد معینی در حال حیات است، به دلیل عموم علت، هر کسی را که این وصف را در حیات و بعد از حیات داشته باشد، شامل می شود. به همین سبب علما از این آیه، عموم در هر دو حالت (حیات و وفات پیامبر) را فهمیده و بر کسی که کنار قبر پیامبر می آید، مستحب دانسته اند این آیه را تلاوت کند و از خدا طلب مغفرت کند.^۱

ب) سخن حصنی دمشقی

وی نیز پس از نقل آیه در تحلیل آن می نویسد:

آیه شامل حیات و وفات پیامبر می شود و رسول خدا به واسطه این آیه از خداوند طلب شفاعت می کند و این مسئله به مثابه امری اتفاقی بین علماست و احدی در قرن های مختلف متعرض آن نشده و آن را انکار نکرده است. من این دو بیت را در این بحث اضافه می کنم و امیدوارم سهمی از شفاعت پیامبر ﷺ نصیب من گردد:

و در او (پیامبر) همه اوصاف نیکو جمع شده است و او کسی است که افراد به دست او تربیت شده اند.

و او (پیامبر) کسی است که در هر مشکلی امید به او وجود دارد، خصوصاً در قیامت؛ زمانی که پای ما می لغزد.^۲

ج) نظر محمود سعید ممدوح

محمود سعید ممدوح از علمای معاصر مذهب شافعی درباره این آیه می نویسد:

وهذه الآية تشمل حالتي الحياة و بعد الانتقال، و من أراد تخصيصها بحال الحياة، فما أصاب؛ لأنَّ الفعل في سياق الشرط يفيد

۱. همان، ص ۱۸۲.

۲. دفع الشبهة عن الرسول، ص ۱۴۴.

العموم وأعلى صيغ العموم ما وقع في سياق الشرط . فالآية الشريفة طالبة للمجىء إليه ﷺ في جميع الحالات لوقوع (جاؤوك) فيها في حيز الشرط الذي يدل على العموم. وقد فهم المفسرون من الآية العموم، ولذلك تراهم يذكرون معها حكاية العُتبي الذي جاء للقبر الشريف؛^١

این آیه شریفه دو حالت حیات و بعد از وفات را در برمی گیرد و هر کس بخواهد آن را به حال حیات تخصیص بزند، به نتیجه نمی رسد... و مفسرین از این آیه عموم را فهمیده اند. به همین جهت مشاهده می شود که همراه این آیه، جریان عتبی را که کنار قبر پیامبر آمد، ذکر کرده اند.

۲. روایات

احادیث بسیاری به طرق مختلف و با مضمون های گوناگونی درباره جواز و استحباب زیارت رسول گرامی اسلام ﷺ وارد شده است:
الف) از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعتش بر من لازم می گردد».^۲

این حدیث دارای چهل منبع از کتاب های اهل سنت است.
سبکی شافعی پس از نقل این حدیث از میان احادیث زیارت پیامبر ﷺ و بحث مفصل علمی درباره اسناد این حدیث می نویسد:

این احادیثی که ما درباره زیارت جمع کردیم - که بیش از ده تا پانزده روایت از روایاتی است که در آن لفظ زیارت به کار برده شده

۱. رفع المنارة، ص ۵۷.

۲. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج ۵، ص ۱۹۴؛ كنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۵۱؛ نيل الأوطار، ج ۵، ص ۱۰۸؛ دفع الشبه عن الرسول، ص ۱۹۳.

است - غیر از آن روایاتی است که در استدلال به این احادیث از آن استفاده کردیم و کثرت احادیث موجب قوّت احادیث است.^۱

در این روایت نیز نیامده است که اگر شخص بدون شدّ رحال بستن به زیارت بیاید، شفاعت من بر او لازم می‌شود و طبیعی است عمل به این روایت برای کسانی که در خارج مدینه هستند، جز با شدّ رحال به سوی قبر پیامبر امکان‌پذیر نیست. (ب) پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس حجّ گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم مرا زیارت کرده است».^۲

این حدیث دارای ۲۵ منبع از کتاب‌های اهل سنت است و در آن اشاره به زیارت قبر پیامبر ﷺ بعد از وفات پیامبر ﷺ بدون در نظر گرفتن سفر برای این زیارت دارد.

صالحی شامی از علمای مذهب شافعی پس از نقل این حدیث و پاسخ به اشکالات سندی بر حدیث می‌نویسد:

حداقل مرتبه‌ای که می‌توان برای این حدیث بیان کرد، حَسَن بودن آن است که اعتبار آن را بیان کردیم و شواهدی برای آن آوردیم. به جز این مطلب، تعداد زیاد احادیث موجب قوّت آن می‌شود، تا جایی که این حدیث را در زُمَره احادیث صحیح قرار می‌دهد.^۳

(ج) پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس حج خانه خدا را انجام دهد و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است».^۴

۱. شفاء السقام، ص ۷۸.

۲. «من حجّ فزار قبري بعد وفاتي كان كمن زارني في حياتي» (معجم کبیر، ج ۱۲، ص ۳۱۰؛ سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۴۴؛ الجامع الصغیر، ج ۲ ص ۵۹۴).

۳. سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۷۸.

۴. «من حجّ ولم یزرني فقد جفاني» (شفاء السقام، ص ۹۸؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۳۷؛ نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۷۹).

بسیاری از حافظان این حدیث را نقل کرده‌اند. حصنی دمشقی به ادعای ابن تیمیّه که برای کنار گذاشتن حدیث می‌گوید این حدیث را احدی از علما نقل نکرده است، این گونه پاسخ می‌دهد:

این حرفی که ابن تیمیّه زده است، تهمت آشکار به علما و ناشی از عدم اطلاع او است؛ زیرا این روایت را تعداد زیادی از بزرگان حدیث با الفاظ نزدیک به هم نقل کرده‌اند.^۱

در این روایت نیز یکی از اعمال لازم بعد از حج را، زیارت پیامبر بیان کرده است که به‌طور طبیعی باید با شدّ رحال به مدینه این مسئله انجام پذیرد. این تنها بخشی از روایاتی بود که علمای اهل سنت در جواز زیارت قبر رسول گرامی اسلام و سفر برای زیارت، به آنها استدلال نموده‌اند.

۳. عمل اصحاب

یکی دیگر از دلایل در جواز زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام و قبور اولیای الهی، عمل اصحاب آن حضرت است که از نظر اهل سنت، عمل آنان حجّیت دارد. که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

الف) زیارت فاطمه زهرا (علیها السلام)

در روایات آمده است که حضرت زهرا (علیها السلام) به زیارت قبر حمزه می‌رفت و به‌طور طبیعی با فاصله‌ای که قبور شهدای احد از مدینه دارد، اطلاق شدّ رحال بر آن جایز است:

عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن أبيه ان فاطمة بنت النبي ﷺ كانت تزور قبر عمها حمزة كل جمعة فتصلي وتبكي عنده.^۲

۱. دفع الشبه عن الرسول، ص ۱۷۱.

۲. المصنف، ج ۳، ص ۵۷۲؛ المستدرک، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن کبری، ج ۴، ص ۷۸.

ابوجعفر علیه السلام می فرماید: فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه قبر حضرت حمزه علیه السلام را - که خدا از او خشنود باد - هر جمعه زیارت می کرد. پس نزد آن نماز می خواند و گریه می کرد. و چنان که مورد اتفاق است، حضرت زهرا علیه السلام صحابی است و نظر او معتبر است و عقیده و هابیت کاملاً مخالف عمل و نظر آن حضرت است.

ب) زیارت عایشه

عایشه که همسر پیامبر بوده به زیارت قبر برادرش به مکه می رفت و کسی کار او را خلاف شرع نمی دانست. ابن ابی ملیکه می گوید: عایشه را دیدم که قبر برادرش عبدالرحمن را - که در مکانی به نام حبشی درگذشت و در مکه دفن گردید - زیارت می کرد.^۱ و نیز می گوید: روزی عایشه برای زیارت به طرف مقابر می رفت. به او گفتم: مگر رسول خدا از زیارت قبور نهی نفرمود؟ گفت: آری، ولی بعداً دستور به زیارت قبور داد.^۲ نقل شده است که ابن عمر از کنار قبر برادرش واقف می گذشت، پس کنار آن ایستاد و برای او دعا کرد و نماز خواند.^۳

ج) زیارت بلال

بلال مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله در عهد عمر بن خطاب در شهر شام اقامت داشت. شبی در خواب پیامبر را دید که به وی فرمود: ای بلال، این چه ظلمی است که در حق من روا داشته ای؟ آیا وقت آن نرسیده است که مرا زیارت کنی؟ از خواب بیدار شد. ناراحتی و ترس سراسر وجودش را فرا گرفته بود. با سرعت وسایل

۱. المصنف، ج ۳، ص ۵۷۰.

۲. سنن کبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

۳. المصنف، ج ۳، ص ۵۷۰.

سفر را بست و بر مرکبش سوار شد و به طرف مدینه حرکت نمود. وقتی به شهر مدینه رسید، کنار قبر رسول الله آمد. در حالی که گریه می کرد، صورت خود را بر قبر حضرت مالید. در این هنگام امام حسن و امام حسین را دید که به طرف قبر جدشان می آیند. آن دو عزیز را در آغوش گرفت و غرق بوسه ساخت.^۱

سبکی می گوید:

تکیه ما برای مشروعیت سفر برای زیارت پیامبر ﷺ رؤیای بلال نیست، بلکه تکیه ما عمل بلال است. این عمل در دوره خلافت عمر، با آن همه صحابه که در آن دوره بودند، صورت گرفته است و این جریان بر آنها پوشیده نبود؛ لذا هیچ اعتراضی بر بلال نکردند و رؤیای او تأکید بر دلیل ماست.^۲

چطور ممکن است بلال از جایی دیگر چون شام بار سفر ببندد و به قصد زیارت قبر پیامبر به مدینه بیاید و آن همه صحابه که در آنجا حاضر بودند، او را نهی از منکر نکنند؛ پس اگر سفر به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ حرام بود، قطعاً بلال با ایراد اشکال صحابه مواجه می شد، نه اینکه به او بگویند ما مشتاق شنیدن اذان تو هستیم!

۴. عقل

عقل می گوید تعظیم کسی که خداوند تبارک و تعالی او را بزرگ داشته است، نیکو است و زیارت نیز نوعی تعظیم است. زیارت پیامبر ﷺ که نوعی احترام به آن حضرت است، از شعائر الهی است که خدای سبحان می فرماید: ﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعْرَ اللَّهِ

۱. «ما هذه الجفوة يا بلال؟! أما أن لك أن تزورني يا بلال؟ فانتبه حزناً وجللاً خائفاً فركب راحلته وقصد المدينة فأتى قبر النبي ﷺ فجعل يبكي عنده ويمرغ وجهه عليه. فأقبل الحسن والحسين فجعل يضمهما ويقبلهما»، (اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۲۰۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۷، ص ۱۳۷؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۵۸).

۲. شفاء السقام، ص ۱۴۲.

فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛^۱ «و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست». بنابراین این عمل نه تنها جایز است، بلکه مستحب و بزرگداشت شعائر الهی است. همچنین برای عقل پذیرفتنی نیست که سفر برای کسب و کار، صله رحم، تفریح و غیره جایز باشد و برای یک امر دینی این گونه با حرمت مواجه شود.

♦ زیارت قبور و مشاهد مؤمنان دیگر

مطالب گذشته در مورد زیارت قبر نبی اسلام ﷺ بود؛ اما درباره مشروعیت زیارت سایر قبور نیز مثل زیارت قبر پیامبر ﷺ نزاعی نیست و خود پیامبر ﷺ به زیارت قبور می رفت و مسلمین را بر این عمل ترغیب می کرد. آن حضرت به زیارت قبر مادرش آمنه بنت وهب می رفت. سیره مسلمانان نیز چنین بود که به زیارت قبور مسلمین می رفتند و آن را امری عبادی و موجب نشاط معنوی می دانستند.

♦ احادیثی در زیارت قبور مؤمنین

درباره زیارت قبور مؤمنین نیز روایاتی از رسول گرامی اسلام ﷺ وارد شده است که به برخی اشاره می کنیم:

۱. سلیمان بن بریده از پدرش، از پیامبر ﷺ نقل کرده است که ایشان فرمودند: «شما را از زیارت قبور نهی کردم، آگاه باشید که از این به بعد قبور را زیارت کنید...».^۲ احتمال دارد نهی موقتی آن حضرت از زیارت قبور به علت کفر این اموات باشد که اکثراً بت پرست بودند و پیامبر ﷺ می خواست به مسلمانان بیاموزد که علاقه و پیوندی میان جهان اسلام و جهان شرک نیست. همچنین احتمال دارد کسانی که به زیارت قبور می رفتند، پا را فراتر از آداب اسلامی گذاشته باشند که با گسترش اسلام و

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها...» (ر.ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۸۹؛ المستدرک، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۱۳۸۵).

آشنایی مردم با مسائل اسلامی، آداب غلط جاهلی را رها کرده باشند و بعد از مدتی پیامبر ﷺ جواز زیارت را صادر کرده است.

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

من شما را از زیارت قبور نهی می‌کردم، سپس به محمد اجازه داده شد که قبر مادرش را زیارت کند. از این پس قبور را زیارت کنید که آخرت را به‌یاد می‌آورد.^۱

ترمذی نام بابی را که این روایت در آن ذکر شده، گذاشته است: «باب ما جاء في الرخصة في زيادة القبور؛ باب رواياتی که درباره اجازه زیارت قبور وارد شده است»، که نظر مثبت وی مبنی بر اجازه قبور را می‌رساند.^۲

۳. پیامبر ﷺ فرمود:

...شما را از زیارت قبور نهی می‌کردم، ولی سپس برای من آشکار شد که آن (زیارت) رقت قلب ایجاد می‌کند و چشم را گریان می‌سازد و به یاد آخرت می‌اندازد؛ پس قبرها را زیارت کنید.^۳

۴. از عایشه نقل شده است:

پیامبر ﷺ در آخرین بخش از شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک کرد. وقتی وارد آنجا می‌شد، می‌فرمود: «درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان! آنچه به وقوع آن در آینده وعده داده شده‌اید، سراغ شما آمد و شما میان مرگ و روز رستاخیز به‌سر

۱. «قد كنت نهيتكم عن زيارة القبور، فقد أذن لمحمد في زيارة قبر أمه، فزورها، فإنها تذكر الآخرة، (ر.ک: سنن

ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۹؛ المصنف، ج ۳، ص ۲۲۴؛ نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۶۴؛ التمهيد، ج ۳، ص ۲۲۵).

۲. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. «...نهيتكم عن زيارة القبور ثم بدالي أنها ترق القلب وتدمع العين وتذكر الآخرة فزورها...» (مسند/احمد بن

حنبل، ج ۳، ص ۲۳۷؛ سنن کبری، ج ۴، ص ۷۷؛ مسند أبي يعلى، ج ۶، ص ۳۷۳؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۶۵).

می‌برید. ما نیز - اگر خداوند بخواهد - به شما خواهیم پیوست.
پروردگارا، اهل بقیع غرقد را بیامرز.^۱

۵. پیامبر ﷺ به زیارت قبور شهیدان در مکانی به نام «رأس الحول» می‌آمد و می‌فرمود: «سلام بر شما به موجب آنچه که صبر کردید، خوب جایگاهی دارید». در این هنگام ابوبکر و سپس عمر و بعد عثمان بدان مکان آمدند، وقتی که معاویه به آنها رسید، مردم جمع شده بودند و پیامبر ﷺ در مواجهه با انبوه مردم فرمود: سلام بر شما، به موجب آنچه صبر کردید.^۲

طلحة بن عبدالله می‌گوید: با رسول خدا ﷺ برای زیارت قبور شهیدان خارج شدیم. وقتی نزد قبور آنان آمدیم، پیامبر فرمود: «این قبرهای برادران ماست».^۳
این سؤال مطرح است که اگر زیارت قبور منعی ندارد و سیره مسلمانان است، چرا سفر برای زیارت قبور حرام و نامشروع است؟! و چه تفاوتی بین زیارت قبر بدون شدّ رحال و با شدّ رحال است. آیا می‌توان گفت زیارت قبور در وطن صحیح است، ولی شدّ رحال برای زیارت قبور نامشروع است. در این صورت بین مردم مدینه و مردم بلاد دیگر تبعیضی گذاشته شده است که مردم مدینه می‌توانند به زیارت قبر رسول گرامی اسلام مشرف شوند، اما مردم دیگر مناطق از آن محروم باشند و اجازه مسافرت به مدینه برای زیارت قبر رسول گرامی اسلام نداشته باشند.

۱. «كان رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (كلما كان ليلتها من رسول الله صلى الله عليه وسلم) يخرج من آخر الليل إلى البقيع فيقول: السلام عليكم دار قوم مؤمنين وآتاكم ما توعدون غداً مؤجلون وإنا إن شاء الله بكم لاحقون. اللهم أغفر لأهل بقيع الغرقد» (صحيح مسلم، ج ۳، ص ۶۳؛ السنن الكبرى، ج ۴، ص ۹۳؛ سنن كبرى، ج ۴، ص ۷۹؛ مسند أبي يعلى، ج ۸، ص ۱۹۹).

۲. المصنف، ج ۳، ص ۵۷۳، تخریج الأحادیث والآثار، ج ۲، ص ۱۸۹؛ عمدة القاری، ج ۸، ص ۷۰.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۶۱؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۴۵۳؛ سنن كبرى، ج ۵، ص ۲۴۹.

♦ جمع بندی

مواردی که بیان شد، خلاصه‌ای از مطالبی است که در کتاب‌های تراجم، تواریخ و حدیث آمده است. بر این اساس اصحاب، تابعین، رهبران مذاهب اسلامی و علمای بزرگ اسلام به زیارت قبور می‌رفتند و اهمیت خاصی برای زیارت قبور قائل بودند، به‌خصوص قبر پیامبر ﷺ را زیارت می‌کردند و آن را بزرگ می‌داشتند. همچنین بار سفر بسته، به زیارت قبور ائمه طاهرين و صالحان و اولیا و علما می‌رفتند؛ درحالی‌که احدی منکر اعمال آنان نشده است و آنان را اهل بدعت و کافر نخوانده است.

با این همه شواهد و قرائن و روایات، وهابیت چه دلیلی بر حرمت زیارت و سفر برای زیارت دارند؟ آیا شیعه و بسیاری از اهل سنت که در زیارت بر طبق سنت نبوی و سیره مسلمین عمل می‌کنند، مجرم به حساب می‌آیند؟ آیا همه زیارت‌کنندگان و زیارت‌شوندگان شیعه‌اند؟ آیا ابن خزیمه شیعه است؟ آیا رئیس حنابله که قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کرد، شیعه است؟ و آیا ابن حبان که به زیارت قبر امام رضا علیه السلام رفت، شیعه بود؟ آیا محمد بن ادريس شافعی که قبر ابوحنیفه را زیارت می‌کرد، بدعت‌گذار است؟ عایشه که قبر برادرش عبدالرحمن را در مکه زیارت می‌کرد، به حرمت زیارت قبور آگاه نبود؟

اینها همه دلایلی واضح بر مخالفت صریح وهابیون با اعتقادات اسلامی است؛ عقایدی که از زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه آغاز شده و تاکنون جریان داشته است و جای بسی شگفتی است که چگونه این عقاید باطل را عقاید حقه اسلام معرفی می‌کنند!

◆ کتابنامه

۱. *إعانة الطالبین*: بکری دمیاطی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۲. *الأنساب*: سمعانی، تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان للطباعة و النشر، ۱۴۰۸ ق.
۳. *البدایة و النهایة*: اسماعیل ابن کثیر، تحقیق: علی شیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۴. *تاریخ الإسلام*: شمس الدین محمد ذهبی، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۵. *تاریخ بغداد*: خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطار، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۶. *تاریخ مدینه دمشق*: علی بن حسن بن عساکر، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۷. *تخریج الأحادیث و الآثار*: زیلعی، ریاض: دارابن خزیمه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۸. *تذکره الحفاظ*: شمس الدین محمد ذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا.
۹. *التمهید*: ابن عبد البر، مغرب: وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. *تهذیب التهذیب*: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. *الثقات*: محمد بن حبان، حیدرآباد دکن هند: مؤسسة الکتب الثقافیه، چاپ اول، ۱۳۹۳ ق.
۱۲. *الجامع الصغير*: جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. *الدر المنثور*: جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۴. *دفع الشبه عن الرسول*: تقی الدین حصنی دمشقی، قاهره: داراحیاء الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. *الرد علی الإختانی*: ابن تیمیه، حلیم الدین، قاهره: المطبعة السلفیة، بی تا.
۱۶. *رفع المنارة*: محمود سعید ممدوح، عمان: دارالامام النووی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. *زیارة القبور*: ابن تیمیه، حلیم الدین، ریاض: الادارة العامة للطبع و الترجمة، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. *سبل الهدی و الرشاد*: صالحی شامی، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. *سنن أبي داود*: ابن اشعث سجستانی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. *السنن الكبرى*: أحمد بن شعيب نسائي، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. *سنن ترمذی*: ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

٢٣. سنن دارقطني: دارقطني، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ ق.
٢٤. سنن كبرى: احمد بن حسين بيهقي، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٢٥. سير اعلام النبلاء: شمس الدين محمد ذهبی، تحقيق: حسين اسد، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ١٤١٣ ق.
٢٦. السيرة النبوية: مصطفى عبدالواحد ابن كثير، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٩٦ ق.
٢٧. الشرح الكبير: عبدالرحمن ابن قدامه، بيروت: دارالكتب العربي، بی تا.
٢٨. الشفا بتعريف حقوق المصطفى: قاضي عياض، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ ق.
٢٩. شفاء السقام: تقی الدين سبكي، بی جا، چاپ چهارم، ١٤١٩ ق.
٣٠. صحيح مسلم: مسلم بن حجاج نيشابوري، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٣١. الطبقات الكبرى: ابن سعد، بيروت: دارصادر، بی تا.
٣٢. عمدة القاري: عيني، بيروت: داراحياء التراث العربي، بی تا.
٣٣. اسد الغابة في معرفة الصحابة: ابن اثير، بيروت: اسد دارالكتاب العربي، بی تا، بی جا (افست انتشارات اسماعيليان تهران)
٣٤. الغدير: علامه اميني، بيروت: دارالكتب العربي، چاپ چهارم، ١٣٩٧ ق.
٣٥. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء: احمد بن عبدالرزاق دويش، عربستان، بی جا، بی تا.
٣٦. فتح الباري في شرح صحيح البخاري: احمد بن علي ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
٣٧. فتح المعين: ميليباري، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
٣٨. كمال الدين: محمد بن عبدالواحد، بيروت: دارالفكر، چاپ دوم، بی تا.
٣٩. كنز العمال: علي متقی هندی، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ ق.
٤٠. كشف الإرتياب في أتياع محمد بن عبد الوهاب: سيد محسن امين، قم: مكتبة الحرمين، بی تا.
٤١. كيفية الزيارة الشرعية للمدينة المنورة: عبدالله بن محمد بن احمد طيار (استاذ الدراسات العليا بكلية الشريعة و اصول الدين بجامعة القصيم)، رياض: مكتبة الرشد- ناشرون، چاپ اول، ١٤٣١ ق.
٤٢. مجمع الزوائد: ابن حجر هيثمی، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٣ ق.
٤٣. المستدرک على الصحيحين: محمد بن عبدالله حاكم نيشابوري، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ ق.
٤٤. مسند أبي يعلى: ابويعلى موصلي، بيروت: دارالمأمون للتراث، بی تا.
٤٥. مسند أحمد بن حنبل: احمد بن حنبل، قاهره: مؤسسة قرطبة، بی تا.

۴۶. المصنّف: ابن ابی شیبہ کوفی، تعلیق و تحقیق: سعید اللحام، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۷. المصنّف: عبدالرزاق صنعانی، مكتبة اهل البيت، بی جا، بی تا.
۴۸. معجم البلدان: شهاب الدین حموی، بیروت: داراحیاء التراث عربی، ۱۳۹۹ق.
۴۹. معجم کبیر: سلیمان بن احمد طبرانی، داراحیاء التراث عربی، بی تا.
۵۰. المغنی: عبدالله بن قدامة، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۵۱. أمتناع الأسباع: محمد عبدالحمید النمیسی مقریزی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۵۲. میزان الاعتدال: شمس الدین محمد ذهبی، تحقیق: علی محمد بجای، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۳۸۳ق.
۵۳. نیل الأوطار: محمد بن علی شوکانی، بیروت: دارالجیل، ۱۹۷۳م.
۵۴. وفيات الأعیان: ابن خلکان، بیروت: دارالثقافة، بی تا.

